

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم
شماره ۲۰۵ فروردین ماه ۱۳۹۶ - آوریل ۲۰۱۷

پیش به سوی صدمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر (نوامبر ۱۹۱۷ تا ۲۰۱۷)
دوشنبه ۲۹ فوریه ۲۰۱۶

بیانیه کنفرانس جهانی احزاب و سازمانهای مارکسیست-لنینیستی

رفیق لنین ریشه سرمایه و اربابان را برکند.
ما، کمونیست‌ها، انقلابیون، پرولتاریای آگاه در سراسر جهان صمیمانه صدمین سالگرد
انقلاب کبیر اکتبر را جشن می‌گیریم.
با عزمی راسخ و یقین به آینده، در سال ۲۰۱۷ به استقبال صدمین سالگرد تاریخی "ده
روزی که دنیا را تکان داد" می‌رویم.
انقلاب بلشویکی، تحول تاریخی عصر خود بود.

پشتیبانی ملوانان کشتی "آرورا" از بلشویک‌ها، نوید عصر نوینی را داد. عصر
پیروزی بر کاپیتالیسم و سازندگی جامعه‌ای عاری از استثمار و استثمارگر. با پیروزی
انقلاب اکتبر، پرولتاریا به قدرت رسید، از استثمارگران و غارتگران سلب مالکیت
نمود و دیکتاتوری پرولتاریا و نظامی جدید را بنیان نهاد. به گفته لنین: "... ولی در
روسیه دستگاه بوروکراسی را بکلی درهم شکسته و سنگ روی سنگ آن باقی
نگذاشته‌اند، تمام دادرسان قدیمی را بیرون ریخته و بساط پارلمان بورژوائی را
برچیده‌اند- موسسه نمایندگی به مراتب دسترس پذیرتری را در اختیار کارگران و
دهقانان گذارده و شوراهای آنانرا جایگزین منصبداران نموده یا به عبارت دیگر
شوراهای آنانرا بالای سر منصبداران گذاشته‌اند و شوراهای آنانرا انتخاب کننده
دادرسان کرده‌اند. همین یک واقعیت کفایت برای اینکه حکومت شوروی یعنی این
شکل دیکتاتوری پرولتاریا، که یکمیلیون بار دموکراتیک‌تر از دموکراتیک‌ترین
جمهوری بورژوائی است، مورد قبول تمام طبقات ستمکش قرار گیرد." (انقلاب
پرولتری و کائوتسکی مرتد).

دولت شوروی ثابت کرد که سوسیالیسم تا زمانی که محکم و پابرجا بر اصول خود،
مسیر کمونیسم را دنبال کند، یک نظام اجتماعی برتر است.
"اکتبر سرخ" مسیر تاریخ جهان را تغییر داد و موجب تحولی بنیادین در تاریخ گشت:
برون رفت از بحران سرمایه‌داری و گذار به سوسیالیسم، راهی غیر قابل بازگشت در
استراتژی و تاکتیک انقلابی، در فرهنگ و شیوه‌ها، در روشهای مبارزه و اشکال
سازمانی، در ذهنیت، فرهنگ و سنت‌های مرسوم طبقه کارگر و متحدان آن در مخالفت
با امپریالیسم و سرمایه‌داری در راستای انقلاب و سوسیالیسم است.

در پی انقلاب بلشویک‌ها به رهبری لنین و استالین موجی از ... ادامه در صفحه ۴

پیام حزب کارگران تونس به کنگره پنجم حزب کار ایران (توفان)

رفقای گرامی!

نمایندگان شرکت کننده در پنجمین کنگره حزب کار ایران (توفان)!
کنگره شما در شرایطی برگزار می‌شود که دیکتاتوری اسلامی حاکم بر ایران و قیحانه
به سرکوب آزادی‌های جمعی و فردی ادامه داده و نیروهای انقلابی، مبارز و کمونیست
را از زن و مرد مورد تعقیب قرار می‌دهد.

در سطح منطقه، نیروهای ارتجاعی آتش جنگ را بر افروخته‌اند. آنها وحشیانه مردم
را مورد تعرض قرار می‌دهند و تخم نفاق قومی و مذهبی را به نفع دولتهای ارتجاعی و
اربابان امپریالیست و صهیونیست خود می‌پاشند.

ما در حزب کارگران تونس، مقاومت قهرمانانه شما در مقابل استبداد را ستایش نموده و
به آن ادای احترام می‌کنیم. ما مطمئن هستیم که کنگره شما گام تازه‌ای به پیش در
مبارزتان برای طبقه کارگر و انقلاب خواهد بود. ما برای شما آرزوی پیروزی در
کار کنگرمتان داریم و دستانتان را بگرمی می‌فشاریم.

زنده باد کنگره ۵ حزب کار ایران (توفان)!

زنده باد همبستگی بین‌المللی بین کارگران، مردم، و ملت‌های سرکوب شده جهان!

حزب کارگران تونس

کمیته مرکزی

تونس، ۲۲ آوریل ۲۰۱۶

خانواده رفسنجانی در شبکه مافیای قدرت مالی

نشریه آمریکایی فوربس که سر از کار
ثروتمندان جهان در می‌آورد، در مورد
خانواده رفسنجانی می‌نویسد: "انقلاب سال
۱۳۷۹ افراد خانواده رفسنجانی را تبدیل به
اربابهای بازرگانی کرد. یک برادر،
سرپرست بزرگترین معادن مس کشور شد،
برادر دیگر کنترل رادیو و تلویزیون دولتی
را در دست گرفت، برادر همسر رفسنجانی
استاندار کرمان شد و پسر عموی اداره
امور صادرات ۴۰۰ میلیون دلاری پسته را
عهده دار گشت، خواهر زاده رفسنجانی و
یکی از پسران وی در وزارت نفت عهده‌دار
مقام‌های کلیدی شدند، پسر دیگرش
سرپرست اجرای پروژه احداث متروی
تهران شد که تا کنون ۷۰۰ میلیون دلار
هزینه آن شده است.

امروز خانواده رفسنجانی علاوه بر نهادهای
گوناگون و شرکتهای مهندسی نفت ایران،
کارخانه مونتاژ اتومبیل دی وود، و بهترین
خط هواپیمائی خصوصی ایران را در
اختیار دارند.

هیچیک از اینها با وضعیت عمومی مردم
که گفته می‌شود درآمد سرانه سالانه آنها
۱۸۰۰ دلار است هماهنگی ندارد. شایعات
خیابانی که در ورای واقعیهتهای مستند و
ملموس جریان دارد حکایت از آن می‌کند که
افراد خانواده رفسنجانی میلیاردها دلار به
بانکهای سوئیس و لوکزامبورگ سپرده‌اند و
همچنین کنترل بخش بزرگی از منطقه بازار
آزاد ایران در کنار خلیج فارس را در دست
دارند و به علاوه مالک تفریحگاههای
سواحل دبی، گوا و تایلند هستند. اما بسیاری
از این انتقادهای راهی برای اینکه چاپ شود
و منتشر گردد پیدا نمی‌کند...

بخشی از ثروت ... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

100. Jahrestag der Großen Sozialistischen Oktoberrevolution



سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

تجلیل از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران از دوران حزب کمونیست ایران تا به امروز



بشکنی ای قلم ای دست اگر
پیچی از خدمت محرومان سر

تجلیل از مبارزات جنبش کمونیستی در ایران

برنامه‌های سخنرانی و هنری شامل:

سخنرانی در مورد انقلاب اکبر و جنبش کمونیستی ایران
موسیقی با صدای سیما و همراهی وین اسکندر

نمایش فیلم مستند

رقص‌های محلی

شعرخوانی

نمایشگاه عکس

صرف شام

کمیته برگزاری، کانون دفاع از حقوق دموکراتیک، انجمن حمایت از زندانیان سیاسی و آزادی در ایران، هواداران حزب کار ایران (توفان)

Vorträge
Filmvorführung: Dokumentarfilm
Persischer Folklore Tanz und Musik
Bilderausstellung
Ort: Neustadtzentrum
Goethestraße 7, 55118 Mainz
Zeit: Sa. 27.05.2017 / 18.00 Uhr

۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکبر این ناقوس مرگ دنیای
سرمایه داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

خانواده رفسنجانی...

خانواده رفسنجانی در معرض دید است. یاسر جوانترین پسر رفسنجانی، مالک یک مزرعه پرورش اسب مدرن به مساحت بیش از ۳۰ جریب در لواسان در نزدیکی تهران است، جایی که هر جریب آن ۴ میلیون دلار قیمت دارد. او که در بلژیک در رشته بازرگانی تحصیل کرده یک شرکت بزرگ صادرات و واردات غذای کودک، آب معدنی و ماشین آلات صنعتی را اداره می‌کند...."

نشریه نیمروز مورخ ۱۹ مهرماه ۱۳۸۱ در مورد ثروت رفسنجانی نوشت: "بنیاد "الزهر" بعد از خرید کارخانه مهرام، کارخانه مینو، که قدیمیترین و بزرگترین کارخانه شکلات سازی ایران است را به قیمت ۲۴/۵ میلیارد تومان خرید. به این ترتیب، بنیاد الزهرا صاحب کارخانه‌های مهرام، چسب رازی، لاستیک دنا و اکنون کارخانه مینو شد. سود ۶ ماهه کارخانه مهرام در سال جاری ۶ میلیارد تومان بوده است. بنیانگذاران و صاحبان سرمایه بنیاد الزهرا به ترتیب عبارتند از حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت، آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان و ریاست عالی شورای تبلیغات اسلامی و آیت‌الله محمد یزدی عضو شورای نگهبان و رئیس سابق قوه قضائیه. این هر سه، امام جمعه موقت تهران و عضو مجلس خبرگان رهبری نیز هستند. گفته می‌شود، بعد از آستان قدس رضوی، بنیاد الزهرا بزرگترین "تراست" اقتصادی در جمهوری اسلامی است. بنیاد الزهرا، همچنین با واسطه، با یکی از بزرگترین نوابه سازهای آمریکا بنام "سینالکو" قرارداد بست و به طور مشترک با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، که بخش اقتصادی آن را سازمان تبلیغات اسلامی هدایت می‌کند، این نوابه را آماده عرضه به بازار ایران می‌کند."

مطبوعات نروژ در سپتامبر ۲۰۰۳ ادعا کردند که مهدی هاشمی رفسنجانی آقا زاده "اکبر شاه" در جریان رسوایی "استات اویل" (Stat Oil)، بزرگترین شرکت نفتی نروژ، در مظان اتهام دریافت رشوه قرار گرفته است. نشریه "ترید یورنال" (Trade Journal) بولتن رسمی بازرگانی نروژ فاش ساخت که دولت نروژ به منظور توسعه فازهای ۶ و ۷ میدان پارس جنوبی که از بزرگترین مخازن گاز جهان محسوب می‌شود با شرکت ملی نفت ایران قراردادی داشته است و به موازات آن مجبور بوده قراردادی نیز با شرکت "هورتون اینووستمنت" (Hortoninvestment) که در یکی از جزایر کارائیب ثبت شده و صاحبش مهدی هاشمی رفسنجانی است منعقد کند تا تضمینی برای اجرای قرارداد نخست باشد. استات اویل بابت راه اندازی این قرارداد مبلغی بیش از ۲۰ میلیون دلار به عنوان رشوه به ایشان پرداخته است.

مهدی هاشمی ولی با بی شرمی این اسناد را که در مطبوعات نروژ و بعداً در دادگاه نروژ برملا شده بودند، رد کرد. استات اویل که ۸۰ درصد سهامش متعلق به دولت نروژ است، در دادگاه تأیید کرد که به مهدی هاشمی رفسنجانی از طریق رابطش رشوه داده است تا قرارداد را

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



امضاء کنند. با رو شدن رشوه‌دهی، دولت نروژ مجبور شد دو مدیر ارشد این شرکت را به اتهام پرداخت رشوه به شرکت پوششی مهدی هاشمی مجبور به استعفاء کند. ولی مهدی هاشمی رفسنجانی با تکیه به قدرت مافیای خانوادگی هنوز هم انکار می‌کرد که یک دزد سرگردنه است. در جریان تحقیق نروژیها بارها از مهدی هاشمی رفسنجانی نام برده شد، هر چند در داخل ایران، تقریباً هیچ یک از مقامات و یا رسانه‌ها به صراحت جرات آنرا نداشتند که نام خانواده رفسنجانی را ببرند. با این حال دامنه پیگیری‌ها و اسناد منتشر شده در نروژ به قدری زیاد بود که مجلس ششم در صحنه رقابت‌های حاکمیت، طرح تحقیق و تفحص از ماجرای رشوه‌گیری شرکت استات اویل را به تصویب رسانید. در حالی که دادگاه نروژ مدیران شرکت نروژی را محکوم کرد، در ایران با فشار مافیای خانوادگی رفسنجانی، کمیسیون تحقیق، آقای هاشمی رفسنجانی را از اتهامات مبرا دانست و این دزد بی شرم، طلبکار هم از کار در آمد و با استفاده از مزایای آقا زادگی و خویشاوندی خونی در ژوئیه ۲۰۰۴ اعلام کرد: "... با طرح شکایت در داخل و خارج از ایران، کسانی را که وی را به دریافت رشوه از استات اویل متهم کردند، تحت پیگرد قرار خواهد داد. وی خواستار غرامت و اعاده حیثیت شد." توگویی حیثیت خریدنی است.

"فی جل" مدیر عامل مستعفی شرکت نفتی استات اویل در نامه‌ای که به هیات مدیره شرکت نوشت، ماجرای رشوه به مهدی رفسنجانی را چنین توصیف کرد: "... وقتی ما بخت صحبت با پسر رئیس جمهوری قبلی ایران را به دست آوردیم، از آن استقبال کردیم. در سال ۲۰۰۱ مهدی رفسنجانی با ما ملاقات کرد و گفت برای بهره‌برداری از حوزه نفتی سلمان، ما باید حق ورود بپردازیم. وی افزود که همه کمیته‌های خارجی این پول را می‌پردازند. پسر رفسنجانی گفت که این پول را می‌توان به کمیانی خیریه بنیاد نیز پرداخت. (همه جا تکیه از توفان است).

سپس قرار شد که مهدی رفسنجانی به عنوان مشاور سیاسی شرکت و توسط شرکت مشاورتی هورتون در لندن که به وسیله عباس یزدی ۳۴ ساله اداره می‌شود، پول را دریافت کند" (نقل از نامه مدیر مستعفی شرکت). مهدی هاشمی رفسنجانی پسر "اکبر شاه" در شرکت ملی شده نفت ایران دارای نفوذ فراوان بود و به باری پدرش در فکر آن بود تا شرکت نفت ملی ایران را با الهام از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، در متن تحقیق سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی در ایران، به شرکت‌های نفتی خصوصی متعلق به خانواده رفسنجانی و

شرکاء بدل کند. این سیاست خصوصی-سازای‌های اموال عمومی و نابودی دست‌آورد نفت ملی شده ایران در زمان دکتر مصدق، از اعمال ننگین ترانزنامه فعالیت‌های علی اکبر رفسنجانی است. این یک اقدامی استعمارگرانه و زدن چوب حراج به منابع طبیعی و ملی ایران است. با روی کار آمدن رفیقش احمدی نژاد که رسماً اعلام کرد می‌خواهد وزارت نفت را از چنگ "مافیای خانوادگی" پاکسازی کند، مهدی هاشمی رفسنجانی پسر علی اکبرخان از سیمت خود در وزارت نفت به عنوان مدیر عامل سازمان بهینه سازی مصرف سوخت کشور استعفاء کرد. این آقا زاده پیش از مدیر عاملی سازمان بهینه سازی مصرف سوخت، مدیر عامل شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران بود. وی در سیمت اخیرش با طرح پرداخت ۳۱۰ میلیون دلار به کارخانه ایران خودرو برای توقف تولید پیکان به دلیل آلایندگی بودن این اتومبیل موافقت کرده بود. آقا زاده دیگر "اکبر شاه" محسن رفسنجانی ریاست شرکت متروی تهران را به عهده داشت که با روی کار آمدن احمدی نژاد باند جدید به پاکسازی باند قدیم مافیا پرداخت و مواضع قبلی‌ها را اشغال کرد. کار به این جا ختم نمی‌شود، مهدی هاشمی رفسنجانی شریک عمده هتل "دویست" در دوی است که یکی از لوکس‌ترین هتل‌های دوی می‌باشد. وی در عین حال شریک عمده ویلاهای ساحل "جمیره" است که از گرانترین ویلاهای دوی محسوب می‌شوند. خرید این ویلاها همراه با کسب روادید دائمی برای دوی می‌باشد. به این ترتیب راه فرار از دست خشم مردم ایران را نیز ساخته‌اند. بهای این ویلا هر کدام ۴۷۰ هزار درهم به بالاست. این نرخ تازه مربوط به ۱۴ سال پیش است.

حال به گزارش مجله معتبر اقتصادی "بلوم برگ" در باره فساد خانواده رفسنجانی مراجعه کنیم. در این گزارش در کنار رشوه‌خواری خانواده رفسنجانی در عرصه نفت و ماجرای استات اویل نروژ گزارشی تحقیقی توسط موسسه "شفافیت بین‌المللی" برلن چاپ شده است که از ایران در کنار ارمنستان، لبنان و مالی به عنوان فاسدترین کشورهای جهان نام برده شده است.

"ری تکیه" استاد دانشگاه ملی دفاع در واشنگتن می‌گوید: بیست و پنج سال بعد از انقلابی که منجر به سقوط شاه شد، دوازده خانواده مذهبی که با هم خویشاوندی دارند ۱۱۰ میلیارد دلار تولیدات خالص ایران را اداره می‌کنند و بر سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و سیاسی آن حکم می‌رانند.

ثروت خانواده رفسنجانی که در مزارع پسته، ساختمان سازی، اتومبیل سازی و شرکت‌های هواپیمایی خصوصی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اکنون به بیش از میلیارد دلار بالغ شده است. این خانواده بانفوذترین خانواده ایران محسوب می‌شوند.

"تکیه" اضافه می‌کند: نفوذ علی اکبر رفسنجانی طی دو دهه اخیر از سایر مقامات بیشتر بوده است. محسن رفسنجانی ۴۳ ساله یکی از فرزندان او مسئول طرح دو میلیارد دلاری متروی تهران ... ادامه در صفحه ۴

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

خانواده رفسنجانی...

و پسر ۳۲ ساله او یاسر رفسنجانی یک مزرعه پرورش اسب را در لواسان اداره می‌کند که هزار متر مربع آن یک میلیون دلار قیمت دارد. مهدی رفسنجانی پسر ۳۴ ساله رئیس جمهوری قبلی ایران که روابط او با شرکت نفتی نروژی سبب حمله پلیس به این شرکت شد، قبلاً یکی از روسای شرکت ملی گاز ایران بود. ثروت‌های ملی ایران سبب تطمیع شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی شده است. ایران با یک میلیون و ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع، فقط اندکی کوچکتر از آلاسکا است، با ۹ درصد ذخیره نفتی و ۱۵ درصد ذخیره گاز جهان و اشتباهی ۷۰ میلیون ایرانی به عنوان مصرف کننده هر روز افزایش می‌یابد.

در جنگ شبانه‌ای که میان باندهای مافیائی رفسنجانی و احمدی‌نژاد در اصفهان در سال ۱۳۸۴ درگرفته بود باند احمدی نژاد جزوای پخش کرد که در آن فهرستی است از پانصد شرکت و موسسه داخلی و خارجی به عنوان دارائی‌های هاشمی و خانواده‌اش وجود داشت. در برابر نام هر یک از شرکت‌ها، آماری به عنوان سرمایه‌هاشان به میلیون دلار ذکر شده بود. شرکت بهینه‌سازی سوخت (با ارزش چهارصد میلیون دلار)، شرکت استات اوئل (به ارزش تقریبی هشت میلیارد دلار) متعلق به مهدی هاشمی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای ریپابلیک در سراسر جهان دارای چهارصد شعبه در لندن، نیویورک و پاریس (به ارزش هفتصد میلیون دلار) و شرکت راه آهن شهری تهران (به ارزش یازده میلیارد دلار) متعلق به محسن هاشمی و فروشگاه هاردوس لندن (به ارزش حدود نه میلیارد دلار) به عنوان بخشی از دارائی‌های فائزه هاشمی و هتل برج‌العرب دوی (به ارزش یک میلیارد دلار) متعلق به خانواده هاشمی و خانواده حاکم دوی، به اضافه سالانه حدود یک میلیارد دلار از محل فروش پسته از جمله دارائی‌های خانواده هاشمی ذکر شده است.

نشریه "بلوم برگ" در سال ۱۳۸۳ نوشت: "علی اکبر رفسنجانی امپراتوری مالی خود را علاوه بر فرزندان، توسط اقوام دیگر خود نیز اداره می‌کند. پسر عموش، احمد هاشمیان مدیر عامل شرکت تولید پسته رفسنجان است و اکثر صادرات ۷۶۴ میلیون دلاری پسته ایران در دست وی قرار دارد.

احمد برادر بزرگتر او که اکنون بازنشسته شده است، مدیریت مجموعه صنعتی سرچشمه، بزرگترین معدن مس ایران را برعهده داشت. محمود برادر دیگر رفسنجانی حاکم شهر قم بود که واشنگتن ایران محسوب می‌شود. برادرزاده او علی هاشمی ۴۳ ساله عضو کمیسیون انرژی است که بر سیاست‌های نفتی نظارت دارد. برادر زن رفسنجانی، محسن رفیق‌دوست که راننده خمینی هنگام ورود به ایران بود، سرپرستی بنیاد مستضعفان، بزرگترین سازمان خیریه جهان را به عهده داشت.

این بنیاد که بر اساس مصادره اموال و شرکت‌های خارجی و دوستان شاه ایجاد شده بود، یک سوم اقتصاد ایران را در دست داشت و گفته می‌شود که هزینه‌های تروریست‌های بین‌المللی از طریق این بنیاد پرداخت می‌شده

است. این بنیاد هم اکنون ۱۲ میلیارد دلار سرمایه دارد.

خانواده رفسنجانی یک غول مافیائی مالی در ایران است. این خانواده برای غارت ایران دست اقتصاددانان هوادار نتولیبرالیسم استعماری را در ایران باز گذارد تا جاده غارت ایران توسط بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی را هموار کنند. دارودسته‌های اندیشمندان نتولیبرالی استعماری در ایران نظیر زیباکلام‌ها که از مریدان و مبلغان سیاست‌های رفسنجانی بودند و هستند مورد حمایت هاشمی رفسنجانی بودند که هوادار اسارت ایران‌اند. رفسنجانی با اجرای سیاست‌های امپریالیستی در ایران موجی "اصلاح‌طلب" مشکوک زانید که حاضر نیستند در مقابل امر و نهی امپریالیسم به ایران ایستادگی کنند. زیرا این ایستادگی به سیاست‌های نتولیبرالی که سیاست درهای باز برای فرار ثروتهای مردم ایران است صدمه می‌زند و مانع می‌شود که ایران به حلقه ممالک نیمه مستعمره بدل شود. مرگ رفسنجانی ضربه سختی به کسانی بود که می‌خواهند با امپریالیسم مصالحه کنند و جبهه یاران وی را تضعیف کرد. البته هنوز مثنی فریب خورده و نادان سیاسی هستند که با شعارهای انحرافی به حمایت از این "اصلاح طلب آزادیخواه" برخاستند و تمام تجربه و واقعیات تاریخ ایران را به مزبله تاریخ افکندند. با توسل به دامان رفسنجانی و باند وی نه دموکراسی به ایران می‌آید و نه آزادی. دموکراسی و آزادی تنها برگزین رفسنجانی‌ها قابل بناست.

بیانیه کنفرانس جهانی احزاب ...

انقلابات پرولتری در کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری بوجود آمده و در کشورهای وابسته و مستعمره منجر به انقلابات دموکراتیک مردم تحت رهبری پرولتاریا و زیر پرچم انترناسیونالیسم در کشورهای وابسته و مستعمره منجر گشت.

پیروزی انقلاب اکبر منتج به شکل‌گیری احزاب کمونیستی جهانی و ایجاد انترناسیونال کمونیستی با هدف از نو سازماندهی کردن پرولتاریا در دنیا و تدارک و رهبری انقلاب جهانی، گشت.

لنین و استالین - رهبران انقلاب سوسیالیستی

با استقرار اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد سوسیالیسم، طبقه کارگر، دهقانان، زنان و خلق‌ها به پیشرفت‌های ارزشمندی در زمینه‌های مادی و فرهنگی دست یافتند. در پی صنعتی شدن سوسیالیستی و برنامه اقتصادی سوسیالیستی، مالکیت عمومی بر ابزارهای تولید در روستاها، کارگران به رفاه بیشتری دست یافتند. برنامه اقتصادی سوسیالیستی نقطه پایانی بر مناسبات تولید کاپیتالیستی و هرج و مرج میراث حاکم نظام کهنه نهاد. طبقه کارگر به لحاظ فنی و ایدئولوژی طبقه مترقی گشت. بیکاری از میان رفت. در پی

برقراری سوسیالیسم برابری زن و مرد نیز پیشرفت کرده و زنان در مدیریت و هدایت کشور سهیم گشتند.

حملات غضبناک امپریالیست‌ها با اراده آهنین کارگران و خلق‌ها که دیگر نمی‌خواستند برده باشند، خنثی شد.

آنها در برابر قدرت سیاسی و وحدت دولتهای سوسیالیستی شکست خوردند.

قانون اساسی سوسیالیستی سال ۱۹۳۶ و پیروزی بر درنده خویان فاشیست - نازی، بسیاری از کشورها را بسوی خود جلب نمود و سرانجام به آزادی بسیاری از کشورها و استقرار نظام دموکراتیک خلقی انجامید، که از دستاوردهای بزرگ خلقهای جهان بود.

انقلاب سوسیالیستی اکبر تا به امروز یکی از رویدادهای تاریخی بسیار پر اهمیت همراه با درسهای پرارزش زیادی برای مبارزات پرولتری و خلقهای تحت ستم جهان بشمار می‌رود.

انقلاب سوسیالیستی اکبر به عنوان یک رویداد تاریخی عصر خود، امروز از اهمیت زیادی بهره‌مند می‌باشد.

انقلاب کبیر شوروی گواهی است بر آن که انقلاب تنها آرزوی خلق نیست، بلکه امری است ممکن و ضروری تا بر حکومت بورژوازی چیره گشته و جامعه‌ای نوین که در آن " انهایی که امروز هیچ محسوب می‌شوند، همه چیز گردند" و دنیا را تغییر بنیانی دهند.

سال‌ها پس از این رویداد بزرگ، تضادهای اساسی و نارسایی‌های سرمایه داری وخیم تر گشت، و این درحالی است که نیروهای انقلابی طبقه کارگر و خلق‌ها در سطح جهانی رشد عینی نموده‌اند.

با توجه به غارت، استثمار و سرکوب اکثریت جامعه، فقر و گسترش نابرابری، جنگ‌های غارت‌گرانه و چپاول‌گرانه امپریالیستی، جنگ‌های استثمارگرانه عده‌ای صاحبان سرمایه که انگل وار به غارت مشغول هستند تا بیش از پیش بر میزان سرمایه‌شان افزوده شود، نابودی دسترنج و دستاوردهای کارگران، تاراج از نوع استثمارنو، نابودی محیط زیست توسط سامانه سرمایه داری،... موارد نامبرده، ایده انقلاب پرولتری را امری کاملاً جایز و حائز اهمیت‌تر می‌کند.

دلایل ضرورت انقلاب امروز وزین تر از همیشه و شرایط مادی آن پیشرفته‌تر از هر زمان می‌باشند. گذار به یک نظام اجتماعی جدید و بهتر، ضرورتی لازم و مبرم برای طبقات استثمار و سرکوب شده توسط سرمایه‌داری است. "مشکل آشکاری" که تنها پیکار مشترک توده‌های زحمتکشان و ستمدیدگان، "پاسخ" آنرا خواهد داد.

شکست و فروپاشی شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ضربه بزرگی بود. سوسیالیسم، در مرحله‌ای، شکستی را متحمل شد. اما شکستی که نه دستاوردهایش را و نه تلاش برای رسیدن به آن را بی‌ارزش می‌کند. در حقیقت نه انقلاب اکبر و نه سوسیالیسم پرولتری، بلکه خیانت رویزونیسم و اپورتونیسم به منافع و آرمان‌های طبقه کارگر موجب شکست شوروی گشت.

با وجود تبلیغات ضد کمونیستی بی‌امان، استثمار سرمایه‌داری ... ادامه در صفحه ۵

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

بیانیه کنفرانس جهانی احزاب ...

و بربریت امپریالیسم که تنها فقر و بدبختی، غارتگری و جنگ‌ها را می‌آفریند، حیاتش رو به زوال است.

اکنون ما در عصر بیداری سیاسی طبقه کارگر، خلق‌ها و جوانانی، که دیگر فشار و یوغ تحمیلی سرمایه‌داری و امپریالیسم را بر نمی‌تابند، هستیم. آنها در مسیر مبارزه با بحران‌ها، استثمار، نابرابری، فقر، ارباب منشی، دخالت و تهاجم امپریالیسم گام بر می‌دارند.

در راستای رشد آگاهی توده، مشخص می‌گردد که این روند نمی‌تواند ادامه یابد. در سرمایه‌داری آزادی وجود ندارد و نیاز مبرمی به تغییری بنیادی بر ویرانه‌های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و محیط زیستی موجود، می‌باشد و می‌بایستی نقطه پایانی برجایبانی که هزینه آن رنج انسان‌ها است، نهاد. نقطه پایانی بر سلطه انحصارات سرمایه‌داری که در ساختارش تنها تسلیم و اطاعت برای "حاکم سود بُردن!" را می‌شناسد.

نقطه آغازین این تغییر بنیادین، کسب قدرت سیاسی توسط پیشروترین طبقه جامعه، توسط نیروی پیشگام در سیاست، عمل، فکر و اخلاق، توسط پرولتاریای مدرن می‌باشد. با توجه به نظریه‌های رویزیونیستی، رفرمیستی و اپورتونیستی که دردناک‌ترین شکست طبقه کارگر را موجب گشتند، ضرورت انقلاب پرولتاری، امروز بیش از هر زمان به عنوان تنها راه حل و گزینه نهایی علیه استثمار و سرکوب خلق‌ها احساس می‌شود.

بحران طولانی و عمیق کنونی سرمایه‌داری در سطح جهانی و رشد دامنه این بحران‌ها در آینده، ثابت می‌کنند که سرمایه‌داری مانعی بزرگ در راه پیشرفت نیروهای مولده جامعه است و تنها راه برای برون رفت از این مانع، انقلاب است.

پرسش مبرمی که امروز طرح می‌شود آن است که کدام گزینه انتخاب می‌شود؟ دیکتاتوری انحصارات مالی و یا دیکتاتوری پرولتاریا؟ انقلاب پیروزمندان اکتر نشان داد، که طبقه کارگر توانایی بدست گرفتن قدرت و رهبری جامعه را بدون بورژوازی دارد. انقلاب اکتر نشان داد که کمونیست‌ها نقش تعیین کننده‌ای را می‌توانند و می‌بایستی بر عهده گیرند.

انقلاب اکتر به ما می‌آموزد که کمونیست‌ها، پرولتاریای آگاه و جوانان انقلابی، می‌بایست جوهره این انقلاب را به عنوان آموزه‌ها، توشه ادامه مبارزات خود سازند. در مبارزات خود با اپورتونیسم (فرصت طلبی) مرزبندی کرده، از آن پرهیز جویند و پرولتاریای جهان را زیر پرچم مارکسیسم-لنینیسم متحد سازند.

اجازه دهید صدمین سالگرد انقلاب سرخ اکتر را در هر کشوری که هستیم، متحد، مصمم و رزم جویانه جشن بگیریم. از انقلاب کبیر اکتر بعنوان نماد رخداد جاودانه و فناپذیر عصر معاصر تجلیل به عمل آوریم. فرصت را مغتنم شمرده، اهمیت و جایگاه غیرقابل انکار جهانی انقلاب پرولتاری را برای تغییر اساسی و بنیادی جهان برجسته سازیم.

بیانید در هر کجای جهان که هستیم چگونه که شایسته است صدمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتر را در سال ۲۰۱۷ جشن بگیریم و آن را پاس بداریم. در هر نقطه دنیا که

هستیم کارگران و کمونیست‌ها و نیروهای مبارز را با برگزاری مراسم سالگرد، دعوت به سمینارها، تجمعات و هر حرکت لازم دیگر سازماندهی کنیم و لزوم ضرورت کمونیسم، بعنوان تنها نیروی مقاوم و پایدار که توان متحد ساختن نیروهای انقلابی و رهبری انقلاب سوسیالیستی در جهان دارد، را خاطرنشان سازیم.

ما از همه فعالین سیاسی سوسیالیست، اتحادیه‌ها و سندیکاها، جوانان، زنان، دهقانان، سازمان‌ها و احزاب بومی و منطقه‌ای کشورهای جهان که بر سر اصول و مبانی اساسی توافق نظر دارند، دعوت می‌کنیم که به ما بوندند تا همگام با هم، رزم مشترک جهانی کمونیست‌ها و جنبش‌های کارگری جهانی را با توانایی و قدرتی بیشتر، بازسازی و به پیش ببریم.

اجازه دهید، یکصد سال پس از پیروزی "حماسه تندر آسای" شوروی به رهبری بلشویک‌ها، بار دیگر باورمان و آرمان‌مان را، که انقلاب و سوسیالیسم تنها جایگزین و بدیل مطمئن در برابر بربریت امپریالیسم است، را بیان داریم.

زنده باد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!

زنده باد پرولتاریای جهان!

کیتو- اکتبر ۲۰۱۵

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست (IKMLPO)

**سیاست اقتصادی امپریالیسم شرق...**

حلزونی خویش ادامه می‌دهند. آنها هنوز نتوانسته‌اند با رویزیونیسم تسویه حساب کرده و به شاهره حقیقت بازگردند.

سیاست توسعه طلبی ناتو به سمت شرق و بلعیدن تک تک این کشورها و محاصره روسیه ی تضعیف شده، نشان می‌داد و می‌دهد که برخلاف تبلیغات کسانی که از دانش مبارزه طبقاتی دست شسته اند، هدف امپریالیسم غرب نابودی "سوسیالیسم واقعا موجود" (بخوانید رویزیونیسم حاکم و سرمایه داری دولتی) و ایجاد "صلح پایدار" نبود، بلکه تجزیه فدراسیون روسیه، دست یابی به مواد اولیه و

سرزمینهای وسیع این کشور بود. این تضاد میان امپریالیست‌ها که دائمی و پایدار است، خود را به بهترین وجهی در نزاع میان روسیه و آمریکا نشان می‌دهد. سیاست تجزیه فدراسیون روسیه به تضعیف سیاسی روسیه منجر شده و نفوذ امپریالیست‌های غرب را در ممالک مجاور روسیه افزایش داده است. ما با این وضعیت از جمله در ممالک بالتیک، گرجستان و آذربایجان که همه قربانیان سیاست‌های نئولیبرالی اقتصادی سرمایه داری هستند روبرو هستیم. این توسعه طلبی امپریالیسم غرب که بر اساس توازن جدید نیروها صورت می‌گیرد، مغایر موافقتنامه های میان سوسیال امپریالیسم شوروی گورباچف با امپریالیست‌های غرب پیرامون حفظ وضع بعد از توافق بود. ولی از چه وقت تا حالا قرار بوده است که با تغییر زور و توان و قابلیت‌های یک طرف، وفاداری به موافقتنامه های روی کاغذ از اعتبار ابدی برخوردار باشند؟

امپریالیسم غرب با این آگاهی یوگسلاوی را تجزیه نمود، به لیبی دست اندازی کرد، عراق را به اسارت در آورد و سرانجام با سیاست تهاجمی و افسار گسیخته و مغرورانه خویش در امور داخلی کشورها دخالت کرد و فاجعه سوریه را به بار آورد تا از نفوذ امپریالیسم تضعیف شده روسیه در مولداوی، اوکراین و دریای مدیترانه و خاورمیانه به کاهد. محاصره اقتصادی روسیه و تحقیر این کشور به عنوان قدرت درجه دوم و تحریکات مرتب علیه آنها سرانجام نتوانست امپریالیسم روسیه را به زانو در آورد. در این مدت امپریالیسم روسیه توانست قدرت نظامی خویش را افزایش دهد و بر وضعیت اقتصادی و سیاسی خویش غلبه کند. امپریالیسم روسیه از موضع ضعف بارها به امپریالیسم آمریکا و غرب پیشنهاد کرده است که وی را در مسایل جهانی به بازی بگیرند و به اقدامات "خودسرانه" دست نیازند. آنها برای نمونه به سازش در مورد قرارداد هسته ای ایران اشاره می‌کنند و فاجعه سوریه را محصول زورگونی آمریکا و عدم توافق آنها با روسیه عنوان می‌کنند. این رقابت و تبانی در عرصه جهانی ادامه دارد و در داخل اروپا نیز به جبهه بندی میان ممالک اروپائی منجر شده است. ممالکی که زیر سلطه روسیه در گذشته قرار داشتند نظیر لهستان و جمهوری های بالتیک از متحدان دست به سینه آمریکا و خواهان تشدید تضاد با روسیه و مقاومت در مقابل این کشور هستند، در حالیکه ممالک غرب اروپا از جمله اتریش، یونان، و محافل قدرتمندی در آلمان و ایتالیا از نزدیکی و همکاری با روسیه صحبت می‌کنند. دوری جغرافیائی آمریکا از اروپا موجب شده که بیشتر ممالک غرب اروپا از این سیاست صدمه ببینند.

در شرایط کنونی کشور روسیه، امپریالیسم تضعیف شده است که می‌کوشد از زمین برخیزد. این امپریالیسم خواهان تبانی و رقابت با آمریکاست و در شرایط کنونی برای وی جنبه تبانی اهمیت دارد تا بتواند نفس تازه کند. این امپریالیسم برای مقابله با نیروی افسار گسیخته و تهاجمی امپریالیسم غرب خود را به امپریالیسم چین نزدیک می‌کند تا با همکاری با این امپریالیسم ...

...ادامه در صفحه ۶

از میراث انقلابی ۵۰ سال مبارزه ضد رویزیونیستی در ایران تجلیل کنیم

سیاست اقتصادی امپریالیسم شرق...

جدید نواخته بتواند در مقابل قدرت عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا مقاومت کند. خطری که اکنون صلح جهانی و حقوق ملت‌ها را تهدید می‌کند از جانب روسیه و چین نیست از جانب امپریالیست‌های غرب به رهبری امپریالیسم آمریکاست. این وضعیت است که باید مبنای تحلیل مشخص از شرایط مشخص قرار گیرد.

امپریالیسم نوبرخاسته چین که با نقاب سوسیالیسم مانند روش خروشچف به میدان آمده است و سرمایه داری را در چین با نقاب سوسیالیسم مستقر ساخته و به صدور سرمایه به جهان مشغول است، تکیه سیاست‌های خویش را بر رشد اقتصادی قرار داده و محتاطانه به پیش می‌رود و می‌خواهد در تمام زمینه‌ها عقب ماندگی‌های اقتصادی، علمی، نظامی و سیاسی خویش را نسبت به غرب جبران کند. امپریالیسم چین با استاید مکتب اقتصادی نئو لیبرالی به مشاوره تشبستند و سیاست‌های استثماري آنها را با نقض حقوق کارگران و تشدید درجه استثمار آنها و میدان دادن به مالکیت‌های خصوصی متحقق گردانیدند. سیاست نئو لیبرالی اقتصاد دانان مکتب شیکاگو پایش در سرزمین چین نیز باز شد و هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. دولتمردان چین تلاش وافر دارند از درگیری‌های رویارو با امپریالیسم قدرتمندتر غرب خودداری کنند و به برنامه درازمدت برای تسلط سیاسی خویش دست بزنند. بروز تصادمات زودرس جهانی در شرایط مشخص کنونی به نفع امپریالیسم چین نیست. نفوذ آنها در سراسر جهان به ویژه در آفریقا کاملاً مشهود است. این امپریالیسم نیز خواهان تبتانی و رقابت با آمریکاست، زیرا در بسیاری زمینه‌های با آنها منافع مشترک دارد. ذخایر ارزی بیلیون دلاری چین نوعی روابط همسرنوشتی میان دو کشور ایجاد کرده است. ولی نفوذ چین در آفریقا که

بر بسیاری منابع اولیه با سیاست‌های توسعه اقتصادی صنایع زیربنایی دست یافته است و یا ساختمان تنگه نیگاراگوئه در قاره آمریکا که به موازات تنگه پاناما توسط چین ساخته می‌شود، موجبات نگرانی امپریالیسم آمریکا و ژاپن را فراهم کرده است. سیاست نوین امپریالیسم آمریکا در تسلیح ژاپن، تحریکات علیه کره شمالی، تکیه بر منافع راهبردی این امپریالیسم در اقیانوس آرام که آنرا برای حريم امنیت خود مهم جلوه می‌دهد و خود را بخشی از ممالک این منطقه جا می‌زند برای مقابله با چین انتخاب شده است. امپریالیسم غرب با تجاوز به عراق و لیبی، دخالت در امور داخلی آفریقا در نیجریه، نیجر، مالی، سومالی، سودان و ... محاصره اقتصادی ایران، دست امپریالیسم شرق را از منابع نفت و گاز آفریقا و خاورمیانه کوتاه کرد و چین را تحت فشار قرار داد و این امر خود موجبات نزدیکی روس و چین را تسریع کرد. روسیه مصمم است منابع سوختی چین را از طریق نفت و گاز خویش تامین کند.

چین می‌خواهد به مقابله با تحریکات آمریکا در جنوب شرقی آسیا بپردازد. آمریکا در جنوب شرقی آسیا در پی ایجاد جبهه مشترکی از ممالک استرالیا، نیوزلند، فیلیپین، اندونزی،

سنگاپور، کامبوج، ویتنام، میانمار و... است که آنها را حتی با تحت فشار قرار دادن، انجام کودتا در این کشورها، تشدید تضادها و تکیه بر اختلافات آنها با چین، به مواضع خویش بکشاند و آنها را بر ضد چین بسیج کند. چینی‌ها برعکس تلاش دارند با نزدیکی به کره جنوبی، میانمار، جزیره تایوان، هند و پاکستان و... این دسیسه‌های امپریالیسم توسعه طلب و مهاجم آمریکا را خنثی کنند. یک مبارزه دیپلماتیک گسترده در این منطقه آغاز شده است. با توجه به این وضعیت سیاسی در منطقه است که باید تلاش‌های چین و روسیه را در زمینه ایجاد یک جبهه وسیع ضد تجاوز و دخالت از جانب امپریالیسم غرب به رهبری آمریکا ارزیابی کرد. این اقدامات گرچه که در کادر تبتانی و رقابت با امپریالیسم غرب صورت می‌گیرند، ولی در شرایط مشخص کنونی که مانعی در مقابل تهاجم وحشیانه و لجام گسیخته امپریالیسم آمریکا ایجاد می‌کنند، مثبت اند و امکان بروز جنگ را به تاخیر می‌اندازند و این به نفع خلق‌ها و ممالک جهان است. این امر دست ما را باز می‌گذارد تا با شعار صلح طلبی و ایجاد جبهه وسیعی از صلحجویان جهان، جبهه وسیع ضد جنگ در سراسر جهان ایجاد کنیم و زمینه روانی دستیابی به جنگ و تجاوز را کاهش دهیم. مبارزه برای صلح در جهان هرگز نافی مبارزه طبقاتی برای کسب قدرت سیاسی در هر کشور معین نیست. ولی مبارزه با سیاست تهاجمی امپریالیسم توده مردم را علیه آنها بسیج کرده و به ممالک مستقل و مترقی و با انقلابی امکان تنفس و تقویت خویش را می‌دهد و دامنه فعالیت امپریالیست‌ها را محدود می‌نماید. تمام این مقدمات مثبت باید در خدمت ایجاد شرایط مناسب در عرصه داخلی و خارجی برای کسب قدرت سیاسی از جانب کمونیست‌ها قرار گیرد.

سانسور و اختناق سازمانیافته‌ی...

حذفیات نظارت کامل می‌کنند و یا به "مدیریت محتوی" مشغولند و کارمندان را آموزش می‌دهند تا بتدریج انگیزه و احساسات لازم و حس ششم را برای انجام میزبانی به دست آورند. هیچکدام از این اقداماتی که آنها می‌کنند، جنبه قانونی و مبنای حقوقی ندارد. اقدامات آنها خودسرانه و غیرقانونی است. هیچکس نمی‌داند تصویر عریان چگونه تعریف شده است. آیا می‌شود آثار زیبای هنری در مجسمه‌سازی و یا نقاشی را به عنوان "اثر عریان" حذف کرد؟ آیا می‌شود سربریدن را تا زمانی که به نفع داعش است و از آن استفاده تبلیغاتی برای ایجاد هراس، رعب و وحشت می‌کند و بخشی از سیاست راهبردی جنگ روانی آنهاست، مجاز دانست و بعد از ۶ سال که شکست سیاست امپریالیست‌ها در سوریه روشن شده و داعش وظیفه‌اش را به انجام رسانده و تاریخ مصرفش در سوریه به پایان رسیده است، تصاویر جنایات داعش را که توسط ممالک ناتو قریه شده‌اند حذف کرد و مانع شد که

داعش افشاء شود؟ عمل فیس‌بوک "اتهام و دروغ" را حذف می‌کنند. ولی روشن نیست چه مفهومی از نظر این "منادیان آزادی و دموکراسی" "اتهام" و یا "دروغ" است. روشن است که افشاء جنایات امپریالیسم و صهیونیسم از نظر ارتجاع جهانی "اتهام" محسوب می‌شود و حال این عده سانسورچی گلوبال یک قیچی همه فن حریف پیدا کرده‌اند که هرآنچه مورد پسندشان نیست سانسور کنند.

در برلین برای ۶۰ زبان خارجی از جمله فارسی کارمند استخدام کرده‌اند. این کارمندان، کارمندان عادی نیستند و باید در سانسور و جنایات ضد دموکراسی و آزادی فیس‌بوک سهیم شوند. هیچ ایرانی با وجدان و سالم شاغل در این شرکت، نمی‌تواند وظایفی را که به عهده گرفته است با نیاز به دریافت کار و کسب شغل توجیه کند.

در این مرکز دو نوع گروه ایرانی خودفروخته رخنه کرده‌اند. با مستخدم بلاواسطه فیس‌بوک هستند و توسط مسئولان استخدامی با همان شرایط بازجویی و شیوه تفتیش عقاید استخدام شده و مورد اعتمادند و یا گروه‌های سیاسی خودفروخته ایرانی و حتی عوامل جمهوری اسلامی هستند که در این تشکیلات رخنه کرده‌اند و با سازماندهی از درون و بیرون در پی حذف مخالفان و سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی ایران هستند. دارودسته حزب کمونیست کارگری و عمال کردهای ناسیونال شونیست هودار صهیونیسم و تجاوز به ایران از جمله این ایرانیان هستند. با اشاره آنها و بسیج نوچه-هایشان، دستگاه سانسور فیس‌بوک افشاءگران این جریان‌ها را تحت فشار می‌گذارد تا عکس‌های لخت "انقلابی" رهبران فاسد و مریدان منصور حکمت را از آلبوم تصاویر خود حذف کنند و یا از افشاء رهبران ناسیونال شونیست کرد که با اسرائیل "جیک و پیک" دارند خودداری نمایند. آنها تصاویر دختران سوخته ویتنامی توسط بمب‌های ناپالم آمریکایی را تصاویر شهوت‌انگیز و عریان جا می‌زنند. ماموران رژیم جمهوری اسلامی نیز که در این جبهه واحد با حزب کمونیست کارگری همکاری می‌کنند، تصاویر گورخوابان را در ایران به عنوان تصاویر مشمئزکننده که موجب جریحه‌دار شدن وجدان انسان‌ها می‌شود، تصاویر ناراحت کننده و ناخوش‌آیند قلمداد کرده و از فیس‌بوک خواهان حذف آن می‌شوند. این قصه دارد سردراز پیدا می‌کند. جاسوسان حزب کمونیست کارگری که در این کمیسیون مشورتی برای سانسور نشست‌اند تا به آن حدی پیش خواهند رفت که به جز عمال خودشان سایرین را به یاری اسرائیل و فیس-بوک از صفحات فیس‌بوک با پرونده‌سازی حذف کنند با این تصور واهی که گویا می-توانند افکار صهیونیستی، هانتیگونی و ضد اسلامی و ضد ایرانی خویش را به تنهایی در عرصه فیس‌بوک با دست حمایت "ازا کربرگ" بتازانند و تبلیغ کنند. فیس‌بوک در پی آن است که تنها مطالبی را که در جهت حمایت از امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم هستند، رواج دهد و به شستشوی مغزی دست بزند. کارمندان فیس‌بوک ... ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

سانسور و اختناق سازمانیافته...

چه به صورت مستقیم و چه آنها که از طریق شرکت‌های خصوصی برای انجام وظیفه سانسور و توزیع دروغ استخدام می‌شوند، فرقی با عوامل سرکوب در رژیم‌های حاکم و یا جاسوسان امنیتی آنها ندارند.

رادیوی آلمانی دوپچه وله (موج آلمان) در چارچوب نزاع امپریالیستها سند زیر را در افشاء فیس‌بوک و نقشی که به انجام می‌رساند منتشر کرده است. یک نگاه به این گزارش و سند نقش سانسور امپریالیستی و حمایت صهیونیستی نشان می‌دهد که هرآنچه مطابق میل صهیونیستها و امپریالیستها نیست از صفحه فیس‌بوک حذف می‌شود. امروز ویتنامی‌ها هستند و فردا فلسطینی‌ها و سپس ایرانی‌ها.

"انتقاد روزنامه نروژی از زاکربرگ، مدیر فیس‌بوک سردبیر روزنامه نروژی "آفتن‌پستن"، مارک زاکربرگ را به سوء



استفاده از قدرت متهم کرده است. علت این اعتراض حذف عکسی از جنگ ویتنام در یکی از مطالب این روزنامه در فیس‌بوک بوده است.

نامه اسپن اگیل هانزن، سردبیر روزنامه نروژی "آفتن‌پستن" (Aftenposten) که در وبسایت این روزنامه منتشر شده است این‌گونه آغاز می‌شود: «مارک زاکربرگ عزیز، من در فیس‌بوک تو را دنبال می‌کنم ولی تو من را نمی‌شناسی.»

او در این نامه نگرانی خود از گستره قدرت بزرگترین شبکه اجتماعی و سرخوردگی و خشم از تصمیمات فیس‌بوک را ابراز کرده است. هانزن در این نامه مارک زاکربرگ را "بزرگترین ناشر جهان" خوانده و معتقد است که او از قدرت خود سوء استفاده می‌کند.

علت نوشتن این نامه گزارش آنلاینی است که روزنامه "آفتن‌پستن" بر صفحه خود در فیس‌بوک منتشر کرده بود. تصویر اول این مطلب که به عکاسی جنگ پرداخته، عکس شناخته‌شده‌ای از جنگ ویتنام بود که کیم فوک، دختر بچه‌ای ویتنامی را در حال فرار پس از یک حمله با ناپالم نشان می‌دهد.

اما تمرکز فیس‌بوک تنها بر روی برهنه بودن دختر بچه حاضر در عکس بوده است. شبکه اجتماعی فیس‌بوک در یک ایمیل به روزنامه نروژی اخطار داده و از آن‌ها خواسته بود که عکس را حذف یا شطرنجی کنند. پس از اعتراض عمومی نویسندگان این روزنامه، گردانندگان فیس‌بوک امکان ارسال مطلب از حساب کاربری روزنامه در فیس‌بوک را مسدود و عکس را حذف کردند.

هانزن در نامه سرگشاده خود در انتقاد از

تصمیم فیس‌بوک نوشت: «با وجود اینکه من سردبیر بزرگترین روزنامه نروژ هستم متوجه شدم که تو (مارک زاکربرگ) امکان ایجاد محدودیت در تصمیم‌گیری‌های تحریریه‌ای من را داری.»

بر اساس قوانین فیس‌بوک تفاوتی میان عکس تاریخی جنگ و پورنوگرافی کودکان وجود ندارد. عکس مورد بحث از جنگ ویتنام نقش به سزایی در شکل‌گیری بحث‌های انتقادی درباره عملیات ارتش آمریکا در جنوب شرقی آسیا داشت.

هانزن خطاب به زاکربرگ می‌نویسد: «از نظر من، تو از قدرت خود سوء استفاده می‌کنی. برایم باورش سخت است که درباره این تصمیم زیاد فکر کرده باشی.»

"دوپچه وله"

به توفان در تلگرام خوش آمدید**(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۶ منتشر شد، آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)**

شادباش نروزی حزب کار ایران (توفان) -نوروزتان پیروز،هرروزتان نوروز -تعیین دستمزد یک‌چهارم خط فقر سیاسی آگاهانه ضدکارگری است!-تجمع سراسری معلمان در چندین شهر ایران-«جای معلم کلاس درس است، نه زندان»- سخنی پیرامون اسکار برای فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی -بازتاب فراخوان بین المللی درهمبستگی با رضا شهابی وهمه فعالین کارگری-درحاشیه ترور در لندن-سخنی درمورد ریاکاری «حقوق بشری» رسانه های "غیرایدئولوژیک" تروریسم دولتی غرب-خانه از پای‌بست ویران است -سخنی درمورد زمینخواری ، اختلاس وحقوقهای نجومی در نظام جمهوری اسلامی -خاطره ای درمورد رفیق بابا پورسعادت از سوی یکی از زندانیان سیاسی دربند سالهای ۶۰ - کودکان کار محصول رژیم سرمایه داری ضد کودک جمهوری اسلامی-- نامه چهل تن از پژوهشگران اقتصادی پیرامون اوضاع وخیم اقتصادی و سیاستهای نئولیبرالی تیم حسن روحانی-به استقبال جشن ۱۰۰ سالگی انقلاب اکتبر برویم -روسیه سرمایه داری است یا امپریالیستی- بخش دوم- آسیای وحشی و غرب متمدن - بخش سوم

گشت و گذاری در فیس‌بوک و پاسخ به چند پرسش -

پرسش و پاسخ در کانال تلگرام

توفان الکترونیکی شماره ۱۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۶ آپریل

۲۰۱۷

www.toufan.org

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیس‌بوک

توفان در فیس‌بوک به زبان انگلیسی

از میراث انقلابی جنبش کمونیستی ایران تجلیل کنیم

سانسور و اختناق سازمانیافته‌ی مافیائی در شبکه مجازی

ما در شماره قبل توفان در مورد شیوه‌های مدرنی که برای سانسور و افکار عمومی سازی به کار می‌برند، نوشتیم و حال همان برداشت را با اسناد جدیدی که به دست آمده است کامل می‌کنیم. بر اساس اسنادی که منتشر شده‌اند در شهر برلن در آلمان فدرال که شهری جهانی بوده و در آن ملیتها با زبانهای گوناگون در مرز شرق و غرب، شمال و جنوب زندگی می‌کنند، یک شرکت خصوصی برای محلی به نام "مرکز تلفن" کارمند استخدام می‌کند. آنها که به استخدام درآمده‌اند هنوز نام شرکت را درست نمی‌دانند، زیرا همه چیز بر اساس فرمان از بالا، مخفیانه، با بازرسی و نظارت کامل صورت می‌گیرد. برخی آنرا "مدیریت محتوی" (اختراع مفهوم جالبی برای سانسور است که محتوی را مدیریت می‌کند-توفان) و برخی دیگر آنرا "اشغال‌زدائی دیجیتالی" می‌نامند. اگر به زبان قابل فهم برای همه صحبت کنیم همان اجرای "آزادانه و بدون قید و شرط" سانسور است. وظیفه این عده این است که آزادانه و به صورت دموکراتیک و بر اساس اصل عرضه و تقاضا، سفارشات از خارج دریافت کنند و در خدمت شرکت سفارش-دهنده به آنها، که مشتریان محسوب می‌شود، صفحات مجازی متعلق به این شرکت را از تبلیغات و مسایل نامطلوب و مضر برای این شرکت، مرتب تصفیه و پاک کنند. از جانب این شرکت خصوصی یک کمیسیونی مسئول پاکسازی تارنمای معیبنی می‌گردد تا مسایل مشخص "نامربوط" و "نامطلوب" را در این تارنما حذف کند. شرکتی که در آلمان برای این منظور به وجود آمده و فعالیت می‌کند، تحت عنوان "آرواتو" (Arvato) مشهور گشته است. این شرکت خدماتی که در واقع خدمات برای سانسور ارائه می‌دهد، شرکت دختر انحصار رسانه‌ای صهیونیستی "برتلزمن" (Bertelsmann) می‌باشد. این شرکت خصوصی از طرف شرکت فیس‌بوک مامور است که در خدمت این شرکت، مخالفان، "تروریستها"، "ناراضیان"، "خوابکارها"، "آناارشیستها"، "ناقضان معیارهای عمومی اخلاقی" و... را بدون اینکه دستهای فیس‌بوک آلوده شود، پاک کند. این بدتر تلاش کند تا در پس نامهای مستعار، هویت واقعی اعضاء فیس‌بوک را پیدا کند و احتمالاً برایشان پرونده سازی نماید و یا این اطلاعات را، به دست از ما بهتران برساند. این اقدام فیس‌بوک که کار رسمی پلیس آلمان را انجام می‌دهد از نظر قانون آلمان ممنوع است، ولی پلیس آلمان و دستگاههای قضائی صدایشان در نمی‌آید. در این شرکت تا کنون بیش از صد نفر برای سانسور استخدام شده‌اند. شرایط استخدام چیست و وظایف کارمندان این شرکت بر مبنای کدام ضوابط و قانون است، کسی نمی‌داند. تنها نفس تصور از فعالیت این شرکت و سبک کارش، اعمال پنهانکارانه و روشهای شبیه-برانگیزاش که به دستگاهی مخوف و مافیائی شباهت می‌یابد، در بیننده ایجاد رعب و وحشت می‌کند. اخباری که از درون این شرکت به بیرون درز کرده است بسیار سری است و کارمندان حق ندارند در مورد وظایف و کارشان در بیرون صحبت کنند. آنچه باید حذف شود را مقامات بالاتر در اختیار کارمندان می‌گذارند و آنها را موظف می‌کنند در فیس‌بوک جستجو کرده تصاویر "هولناک و مشمئز کننده" و روابط جنسی با کودکان و تصاویر آلت تناسلی، سربردن و شکنجه و تصاویر عریان و اظهارات "دروغ" و ادعاهای "کاذب"، "توهین" و "اتهام" را حذف کنند. مدیران سانسور ملغمه‌ای از راست و دروغ، اقدامات توجیه‌گرانه و نیات شوم را در دسترس این عده قرار می‌دهند تا به وظایف خویش عمل کنند. مدیران خود بر این ... ادامه در صفحه ۶



مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار ایران (توفان)
اوضاع بخش نخست به کنگره پنجم حزب کار ایران
جهان

سیاست اقتصادی امپریالیسم شرق و جبهه‌اش

امپریالیسم روس بعد از فروپاشی، مورد هجوم سرمایه‌های مالی امپریالیستهای غرب قرار گرفت و مدتها به بحران درونی دچار بود. امپریالیستهای غرب به داخل تمام اقمار ابر قدرت سوسیال امپریالیسم شوروی نفوذ کردند و توانستند آنها را به سمت خود جلب کنند. آنها در همین دوره سیاستهای نئو لیبرالی اقتصادی سرمایه داری "بازار آزاد" را به روسیه و اقمار سابقش تحمیل کردند و دست سرمایه داران روسی و بومی این کشورها و متحدان خارجی آنها را در غارت دسترنج پرولتاریای روسیه و پرولتاریای ممالک اروپای شرقی باز گذاردند. تتمه حقوق کارگران در این ممالک بر باد رفت و امر خصوصی‌سازی ها با پشتکار به پیش برده شد. احزاب رویزیونیستی در این کشورها یا منحل شدند و یا به صورت سوسیال دموکراتهای بی رنگ و بو به زندگی ... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پسی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany